

دعای روز سیزدهم

اللهم طهرني فيه من الدنس والاقذار، وصبرني فيه على كائنات الاقدار، وفقني فيه للتقى وصحبة الابرار، يعونك يا قرة عين المساكين؛ خدایا در این روز مرا از پلیدی و کثافات هوای نفس و گناهان پاک ساز و بر حوادث خیر و شر و قضا، قدرت صبر و تحمل عطا کن و بر تقوی و پرهیزگاری و مصاحبت نیکوکاران عالم موفق دار، به یاری خود ای مایه شادی و اطمینان خاطر مسکینان

شهر رمضان

نسخه شفا بخش

نصایح حضرت آیت الله بهجت:

علاج ما، اصلاح نفس است.

ما می خواهیم هر چه دلمان می خواهد بکنیم، اما دیگران حق ندارند، به ما اسائه ای بکنند.

آخر ما اگر خودمان را درست بکنیم، خدا کافی است. خدا هادی است. ما خودمان را نمی خواهیم درست بکنیم، اما از کسی هم نمی خواهیم آزار ببینیم. آن هایی که طبعشان آزار است، کار خودشان را می کنند، مگر این که یک کافی و یک حافظ جلوگیری بکنند.

ما می خواهیم اگر دلمان خواست دروغ بگوییم، اما کسی به ما حق ندارد دروغ بگوید. ما ایزاء بکنیم دوستان خودمان را، خوبان را، اما بدها حق ندارند به ما ایزاء بکنند.

بابا با خدا بساز، کار را درست می کند. چرا در خلوت و جلوت، دلت هر چه می خواهد می کنی؟

[دنیا] دار امتحان است، شما در فکر این باشید که خودتان را اصلاح بکنید، مابین خودتان و خدایتان عایقی، مانعی پیدا نشود. اگر اصلاح کردید، رفع مانع کردید بین خودتان و خدا و وسائط انبیاء و اوصیاء خدا اصلاح می کند مابین شما و خلق [را]. حالا که این کارها را کرده ایم، باید توبه بکنیم، باید تضرع کنیم، با آن باب عالی و باب اعلی، باید به سوی او برویم [تا] ما را نجات بدهد، اول از شر خودمان و داخله خودمان، بعدها از شر خارجی ها «أعدی عدوك نفسك التي بين جنبيك». این شهوات، این غضب های بی جا، این شهوات بی جا، همه اش جنود شیاطین اند، جنود کفارند این ها، که در داخله خود آدم [هستند].

بالاخره، حالا که کار را به این جا رساندیم، خودمان می دانیم دوایش استغفار است، [آیا استغفار] می کنیم؟

چاره ای نیست از این که باید به سوی خدا برویم، اگر به سوی خدا نرفتیم موانع هم اگر رفع بشود، موقتاً رفع می شود، دائماً رفع نمی شود. تا خودمان را اصلاح نکنیم و با خدا ارتباط نداشته باشیم، با نمایندگان خدا ارتباط نداشته باشیم، کارمان درست نمی شود؛ امروز تا فردا، تا پس فردا، این که کار نشد. تا رابطه ما با ولی امر، امام زمان صلوات الله علیه قوی نشود، آیا کار ما درست می شود بدون اصلاح نفس؟!

پنجره ای روبه آسمان

دل زبان گشوده که: ای نازنین دلبر! مرا همچو شبنم صبحگاهی پاک خواسته بودی و من روسیاه از نوک پا تا فرق سر به گناه آلوده گشتم، پس مرا ببخش. ای دوست! تو از من خواسته بودی به عهد وفا کنم و به سویت بشتابم و من همان شاکر نادانی هستم پس مرا ببخش، ولی بدان من نیز روزی پاک بودم، قلبم هنوز از زنگار پاک بود. چشمانم هنوز بر رُخی نگاه نکرده بود، دستانم هنوز به ناپاکی آلوده نشده بود. وجودم پاک بود، عقلم پاک بود.

آه ای زیبای زیبایان! چه کنم که نفس بر من غالب شد و تو خود حال مرا می بینی، شیطان را به دوستی برگزیدم و تو روزگرم را می بینی ولی هرگز از روی طغیان سر از فرمانت نیچیده ام. هرگز از روی عمد برخلاف دوستی ام عمل نکرده ام! هرگز! خود می دانی حتی آن هنگام که طعم گناه از دهانم زایل نگشته بود فکر تو آن را تلخ می کرد که هرگز گناه لذت نداشته است. خود می دانی همواره پشیمان بوده ام، ولی چه کنم که وجود کثیفم را شیطان مسلط شده است. هرگاه خواسته بودم سیلی به رخ شیطان زنم این نفس جلویم را گرفته بود، آری خود می دانی روزگاری پاکترین و صادق ترین بودم، شب ها به لبخندی می خوابیدم و صبح ها به لبخندی دیگر بیدار می شدم، شب و روزم با تو می گذشت و حالا، رانده از هر جا، مانده از هر چیز، پشیمان از هر کار به درگاهت آمده ام. می گفتند تو به این سرزمین آشنایی، در این جا دوستان زیادی داری، می گفتند به این جا نظر داری و من سر از پا نشناخته به این جا آمده ام، شتاب داشتم تا به اینجا برسم. پابرنه، جامه دریده، چشم گریان، با تنی ریش به این جا رسیده ام. چشمانم کم سو گشته اند، پاهایم مجروح است. دلم پریشان است آیا تو مرا خواهی پذیرفت؟ آیا برای وصال مهریه ای بالاتر از این خواستاری؟ پس کی بر من ناتوان نظر خواهی افکند؟ پس کی مرا خواهی پذیرفت؟ همه خوبانت را قبول کرده ای و من بیچاره بر درگهت نشسته ام که چه کنی؟ آیا وقتی خونی در بدنم در جریان است، روحی در تنم باقی است، تو مرا می پذیری، حاشا و کلا! تا دستانم می جنبد، قلبم می تپد تو مرا هرگز قبول نخواهی کرد. پس ای شمشیرها مرا در بر گیرید، ای نامردان جاهل مرا بکشید، ای خون فوران کن، ای تن پاره شو، ای چشم کور شو، بگذار دستانم بشکند، پاهایم قطع شود، مغزم پریشان شود. مگر تو این را نمی خواهی مگر تو این را قبول نمی کنی، پس تو می گویی چه کنم؟ بهای دیدنت را این جان ناقابل قرار داده ای، پس ای خصم مرا بکش.

وصیت نامه شهید محمدرضا مهرباک

احکام روزه

اگر مردی با همسرش در روز ماه رمضان شوخی و ملاعبه نماید، آیا به روزه اش ضرر می رسد؟
اگر منجر به انزال منی نشود، به روزه خللی وارد نمی کند، ولی اگر باعث انزال منی شود، جایز نیست و روزه باطل می شود.

اجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری

حدیث نور

قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْمُجْتَبَى (عَلَيْهِ السَّلَام): «إِنَّ الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ، وَ شِفَاءُ الصُّدُورِ، فَلْيَجْلُ جَالِ بَصَرُهُ، وَ لِيُلْجِمِ الصِّفَةَ قَلْبُهُ، فَإِنَّ التَّفَكِيرَ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ، كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ؛ هَمَانَا فِي قُرْآنِ چَرَاغِهای روشنائی بخش؛ و شفا بخش دردها و گرفتاری های درونی وجود دارد، پس کسی که [قلب خود را] با قرآن جلی دهد چشمانش قوی و روشن می گردد و قلب و درون خویش را صفا خواهد داد، چون که تفکر و اندیشه (در قرآن سبب) حیات قلب آگاه شود، هم چنان که شخص روشن دل در تاریکی ها به وسیله نور چراغ حرکت می نماید و راه می رود.»

بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۱۲، س ۱۵

شرط روزه در ماه رمضان

گفته اند شهرالله مانند بیت الله و تعالی برای او هفت خصلت است. همان طور که باید با احترام وارد خانه خدا شد و قلب پاک و روح مطهر را به مراد خود سپرد. همان طور است وارد شدن در ماه خدا هر چند همه ایام و تمام ماه ها و همه هستی در ید قدرت و هدایت الهی است ولی ایام و لیالی ماه صیام حال و هوای دیگر دارد؛ ماهی که نزد خدا بهترین ماه ها، روزهایش بهترین خواب و بیداری آن و نفس ها ثواب تسبیح دارند و دعا در آن مستجاب می شود. پس در این ماه باید آمزیده شد، نه آمزیده شدن تنها که بیشتر از آن باید پاداش گرفت و نقطه اوج این میثاق با خدا و امید به عفو حضرتش شب قدر است. رسول خدا (ص) فرمود: کسی که ماه رمضان را درک کند و آمزیده نشود پس خداوند او را از رحمت خود محروم و دور سازد و جای دیگر می فرماید: هیچ مومنی نیست که در ماه رمضان از روی حساب (فقط به حساب خدا) روزه بگیرد مگر این که خداوند تبارک و تعالی برای او هفت خصلت را واجب و لازم می گرداند: **اول:** هر چه حرام در پیکرش باشد محو و ذوب می گرداند. **دوم:** به رحمت خداوند متعال نزدیک می شود. **سوم:** خطای پدرانش را می پوشاند. **چهارم:** سكرات مرگ (لحظات جان کندن را) بر او آسان می کند. **پنجم:** از گرسنگی و تشنگی روز قیامت ایمن خواهد بود. **ششم:** برائت از جهنم را خداوند به او عنایت می فرماید. **هفتم:** خداوند متعال او را از طبیات و پاکیزه های بهشت اطعام خواهد نمود. در احادیث آمده که شیاطین در ماه رمضان در غل و زنجیرند و درهای رحمت الهی باز است. بنابراین دور از انصاف و عقل است که باتوجه به این همه تائیدات و مستندات، انسان از فیض های این ماه با برکت محروم بماند با این حال همان گونه که هر کس برای نیل به درجاتی باید واجد شرایطی باشد، برای تناول از خوان گسترده معنوی رمضان نیز شرایطی لازم است تا فرد رضائی شود.

هنگامه ظهور

علامه طباطبائی^۱ فرمودند: در روایت است که چون حضرت قائم (ع) ظهور کنند اول دعوت خود را از مکه آغاز می کنند. بدین طریق که بین رکن و مقام، پشت به کعبه نموده و اعلان می فرمایند و از خواص آن حضرت ۳۶۰ نفر در حضور آن حضرت مجتمع می گردند. مرحوم استاد ما قاضی^۲ می فرمود که: در این حال حضرت به آن ها مطلبی می گویند که همه آن ها در اقطار عالم متفرق و منتشر می گردند و چون همه آن ها دارای طی الارض هستند تمام عالم را تفحص می کنند و می فهمند که غیر از آن حضرت کسی دارای مقام ولایت مطلقه الهیه و مأمور به ظهور و قیام و حاوی همه گنجینه های اسرار الهی و صاحب الامر نیست. در این حال همه به مکه مراجعت می کنند و به آن حضرت تسلیم می شوند و بیعت می نمایند. مرحوم قاضی^۳ می فرمود: من می دانم آن کلمه ای را که حضرت به آن ها می فرماید و همه از دور آن حضرت متفرق می شوند، چیست.^۱

یک روز یک نفر از ایشان پرسید: آیا شما خدمت حضرت ولی عصر ارواح فداه مشرف شده اید؟! فرمودند: کور است هر چشمی که صبح از خواب بیدار شود و در اولین نظر نگاهش به امام زمان (ع) نیفتد.^۲

۱. مهر تابان، ص ۳۳۱ و ۳۳۲.

۲. اسوه عارفان، ص ۱۰۹.

۱. ره توشه رمضان، رضا قربانیان

۲. فضائل رمضان، مولانا محمد زکریا صاحب

لطیفه قرآنی

عربی بر سر خوان خلیفه حاضر شد. طعامی آوردند. خلیفه او را هم طعام خود کرد؛ در طعام پیش خلیفه روغن بسیار بود و طعام نزد عرب خشک بود. عرب با سر انگشت خود، جویی ساخت تا روغن به طرف او روان گشت؛ خلیفه این آیه را خواند: «أَخْرَقْتُهَا لِتُغْرَقَ أَهْلُهَا؛ آیا کشتی را سوراخ می گردانی تا اهل آن را غرق نمایی؟»

عرب این آیه را خواند: «فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ؛ ما ابر پر آب را به زمین افسرده راندیم تا زمین مرده را زنده گردانیم.»